شماره فاکس: Fax: 0049 - 221 - 331 82 90

شماره پیام‌گیر: 9322136 ö 221 ö 0049

تک فروشی: ۲/۲۰ یورو
بهای اشتراک: شش ماهه ۳۰ یورو؛ یک ساله ۶۰ یورو

Verleger: I.G.e.v

آدرس: I.G.e.v
Postfach 260268
50515 Koeln
Germany

بانک حساب: I.G.e.v
شماره حساب: 22 44 20 32
کد بانک: 37 05 01 98
نام بانک: Stadtsparkasse Koeln

چهارشنبه - ۱ اردیبهشت ۱۳۸۲ - ۳۰ آوریل ۲۰۰۳ - دوره سوم - شماره ۳۰۲

KAR - No. 302 Wednesday 30. Avr. 2003
G 21170 D

آدرس کار در اینترنت: http://www.fadai.org
آدرس پست الکترونیکی: kar-aksaryat@gmx.de

فرم درخواست اشتراک

اشتراک جدید □ تمدید اشتراک □ شماره اشتراک:

مدت اشتراک: شش ماهه □ یک ساله □ تاریخ:

Name:..... نام:

Address:..... نشانی:

.....

.....

فرم را همراه با بهای اشتراک (حواله بانکی یا تمبر) به آدرس کار پست کنید!

از «قدرت‌نمایی ژئوپلیتیک» تا ضعف‌ها و شکست‌های یک ابرقدرت

محمود صالحی

درست زمانی که دولت جرج‌بوش سرمست از پیروزی نظامی در عراق است و سیاستمداران ایوزیسیون کشورهای دیکتاتورزده سعی در جلوانداختن نام کشورشان در لیست «آزادسازی!» دارند و چشم‌ها بهت زده از «قدرت آمریکا» است، تحلیل دلائل حمله به عراق و یا «قدرت‌نمایی ژئوپلیتیک» از هر زمان دیگر مهم‌تر است.

چرا «قدرت‌نمایی ژئوپلیتیک»؟

تحلیل جامعه شناسانه بازی «خروس‌جنگی» در جزیره بالی نشان از این دارد که این بازی در واقع جنگ تغییرشکل یافته بین قبائل و افراد باتفوذ و قدرتمند در جامعه است و مهمتر از همه اینکه پیروزی و یا شکست یک خروس در این بازی از یک سو قدرت را ارتقا و یا تقلیل می‌دهد و از سوی دیگر بدلیل «چند جانبه‌گرایی» ضامن صلح اجتماعی است. در دوران مدرنیته «خروس‌جنگی» به مسابقات ورزشی، رقابت کنسرن‌ها و قدرت اقتصادی و بسیاری زمینه‌های دیگر تغییر شکل یافته است. اما بنظر می‌رسد «عقاب‌های» کاخ سفید با انتخاب زبان قدرت نظامی به «یک‌جانبه‌گرایی» به منظور تامین هژمونی روی آورده‌اند. چرا؟

● پیروزی نظامی بر ارتش «پابرهنه» عراق که در دو جنگ ضعیف شده و بیش از ده سال در محاصره اقتصادی قرار داشت امری بسیار ساده بود. اما این قدرت‌نمایی نظامی درواقع برای رقبای اصلی آمریکا است.

- نیروهای مولده آمریکا در مقابل رقبای اروپایی، چینی، ژاپنی عقب‌افتاده‌اند و توان رقابت با آنان را ندارند. اولین اقدام دولت جرج بوش در حمایت از تولید صنایع فولاد داخلی بستن مالیات سنگین بر فولاد اتحاد اروپا بود که به «جنگ فولاد» معروف گشت.

- وضعیت نیروهای مولده آمریکا در بازار جهانی نیز بهتر از این نیست. کسری موازنه تجارت خارجی ایالات متحده آمریکا بالغ بر ۵۰۰ میلیارد دلار است. این کشور احتیاج به روز انه ۱/۵ میلیارد دلار سرمایه خارجی دارد.

- وابستگی به واردات نفت از خارج در آمریکا تا چند سال دیگر به ۷۵٪ می‌رسد. این درحالی است که کنسرن‌های نفتی اروپایی و روسی قرارداد بهره‌برداری از منابع نفتی عراق که دارای دومین ذخائر جهان است را نصیب خود کرده بودند. تصرف چاههای نفت عراق شاید شرایط را بسود آمریکا در مقابل رقبا تغییر دهد اما باید منتظر عکس‌العمل آنها نه در عرصه نظامی بلکه در عرصه‌های دیگر ماند.

ضعف‌ها و شکست‌های یک ابرقدرت

● انتخاب زبان نظامی برای آمریکا بهای سنگینی بهمراه دارد:

- پس از حمله ۱۱ سپتامبر، آمریکا شاهد بزرگترین موج سمپاتی و همبستگی جهانی بود. یک سال و اندی بعد با حمله به عراق این موج همبستگی جهانی به جو «ضد آمریکایی» و تظاهرات ضد جنگ تبدیل شد و تئوری‌های «امپریالیسم» بار دیگر رونق پیدا کرده‌اند.

- تا قبل از تصرف عراق، اتحادیه اروپا بیشتر یک اتحادیه اقتصادی بود و نه‌تنها از سیاست خارجی مشترک برخوردار نبود، بلکه بدلیل جنگ سرد و پیمان آتلانتیک شمالی بیشتر از سیاست خارجی آمریکا پیروی می‌کرد. بنابراین پیروی دولت‌های انگلیس، اسپانیا و ایتالیااز سیاست آمریکا در جنگ عراق پیروی از سیاست «اروپای قدیم» است.

اما استقلال سیاست خارجی آلمان، فرانسه، بلژیک و در کنار آنان روسیه و «نه» صریح آنان بر خلاف ادعای رامسفلد سیاست «اروپای جدید» است. ایالات متحده این‌بار نتوانست متحدان ۵۰ ساله خود را بدنبال بکشد و از دل سیاست آمریکا، «محور جدیدی» که تا ده سال پیش اصلا تصور آن هم نمی‌رفت شکل‌گرفته است.

وضعیت انگلیس در این میان بغرنج‌تر است. این‌کشور از یک سو اروپایی و عضو اتحادیه اروپا است اما از سوی دیگر بلحاظ تاریخی و فرهنگی احساس نزدیکی بیشتری با آمریکا دارد. تصمیم انگلیس در ماندن و یا رفتن بسوی یک محور در تغییر وزن آن نقش بسزایی دارد.

در مورد ترکیه نیز شاید هنوز زود باشد بتوان با قطعیت سخن گفت، اما رای منفی پارلمان این کشور در مورد استفاده و عبور ارتش آمریکا از خاک ترکیه، حاکی از تقویت گرایش نزدیکی به «اتحادیه اروپا» است.

- بزرگترین شکست دیپلماتیک - سیاسی ایالات متحده بعد از جنگ دوم جهانی در شورای امنیت سازمان ملل رخ داد. با همه فشارها، سیاست تطمیع و ارعابی که براعضای غیر دائمی شورای امنیت اعمال شد، این اعضا از رای خود نسبت به غیر قانونی بودن حمله نظامی آمریکا به عراق عقب ننشستند.

سازمان ملل استقلال خود را در قبال سیاست آمریکا حفظ کرد. اکنون دیگر جای تعجب نیست، اگر زمزمه‌های خروج این سازمان از خاک آمریکا و رفتن آن به سوئیس بالا گیرد.

گزارش کالین پاول وزیر امور خارجه آمریکا در شورای امنیت مبنی بر خرید اورانیوم غنی شده توسط عراق از نیجریه که بر مبنای اطلاعات سازمان سیا تهیه شده بود نیز به آبروریزی سیاسی تبدیل شد و دروغ محض از کار درآمد. پس از تحقیقات سازمان بین‌المللی انرژی اتمی معلوم شد سند ارائه شده از سوی دولت آمریکا که در پای آن امضای وزیر انرژی نیجریه حک شده بود، جعلی است. وزیر انرژی نیجریه در آن زمان در سمت خود فعالیت نمی‌کرده و امضای او جعل شده بود و اصلا در آن زمان فرد دیگری در سمت وزارت بوده است.

خطای فاحش چپ‌های عرب در اتحاد با ناسیونالیست‌ها

نوشته توماس شمینگر — **برگردان: لاله حسین‌پور**

چپ‌های کشورهای عربی در دهه‌های ۲۰ و ۳۰ قرن بیستم به عنوان پاسخی به بحران جامعه عرب از زمان دست‌اندازی استعمارچی‌های اروپایی و تغییر ساختار اقتصاد جامعه به یک پوسته سرمایه‌داری وابسته بوجود آمدند.

گرایش چپ در واقع آلترناتیوی بود در کنار ناسیونالیسم عرب و بنیادگرایی اسلامی. این سه جریان نیرو و طرفداران خود را از اقشار مشابهی در جامعه جذب می‌کردند که نه از برگزیدگان سنتی منطقه بودند و نه از اقشار زحمتکش مانند دهقانان، خدمتگزاران، کارگران صنایع دستی و از این قبیل. این اقشار در واقع بیشتر از نیروهایی سرچشمه می‌گرفتند که در اقتصاد مدرن جذب شده بودند و پرولتاریای نوین را در ابتدای قرن ۲۰ تشکیل می‌دادند و همچنین روشنفکرانی که در غرب تحصیل کرده و جذب ادارات و ارتش شده بودند.

از طرف دیگر جذب چنین اقشاری در چپ باعث بوجود آمدن گرایشات بسیار متنوع و گوناگونی از چپ در قسمت‌های مختلف کشورهای عربی شد که در اینجا به شماری از این گرایشات در کشورهای عربی پرداخته می‌شود و همچنین به این سئوال پاسخ داده می‌شود که چپ‌های عرب چه رابطه‌ای با ناسیونالیسم عربی دارند.

مصر - عربی‌کردن کمونیسم

مصر در قرن ۱۹ گام‌های بزرگی در صنعتی‌کردن اقتصاد خود برداشت. هر چند اقتصاد مدرنی که توسط دولت در مصر بوجود آمد، نتوانست هم‌زمان سیستم اقتصادی سرمایه‌داری را به طور پایه‌ای برقرار کند و در واقع یک صنعت وابسته دولتی در مصر حاکم شد که در اصل تحت نفوذ استعمار انگلیس قرار داشت و بر اساس ضروریات این استعمار به کار گرفته شد.

اقتصاد وابسته مصر در عمل به رشد جمعیت در شهرها و به وجودآمدن یک طبقه کارگر وابسته کمک نمود که بعدها خود را با عقاید و نظرگاه‌های سیاسی که به شدت تحت تاثیر کارگران صنعتی اروپایی قرار داشت، بیان می‌کرد. به همین دلیل از سویی نظرگاه‌های سوسیالیستی، آنارشیستی و کمونیستی در طبقه کارگر مصر نفوذ می‌کرد و از طرف دیگر اما، جنبش ضداستعماری و ناسیونالیستی عربی در این طبقه رشد و نمو می‌یافت، چراکه کارگران مصری از دستمزد بسیار کم و کمبود تخصص در رنج بودند در حالی که کارگران ایتالیایی، یونانی و مصر نیز همانند برخی کشورهای صنعتی، حزب سوسیالیست مصر پا به عرصه حضور نهاد، در کمینترن به عضویت پذیرفته شد. و نام خود را نیز به حزب کمونیست مصر تغییر داد. این حزب اساسا از روشنفکران مصری، یونانی و یهود تشکیل می‌شد که اساسا به انقلاب اکتبر روسیه اعتقاد راسخی داشته و تحت نفوذ حزب کمونیست شوروی بودند.

حزب کمونیست مصر در اواسط سال‌های ۲۰ در جنبش کارگری و سندیکایی فعال شد و تا سال ۱۹۲۳ حدود ۱۵۰۰ عضو داشت. اما بعد از آن به شدت سرکوب گردید و با دستگیری‌های گسترده، تنها توانست خود را در گروهک‌های بسیار کوچک اما فعال در سطح مصر حفظ کند.

با ظهور فاشیسم در سطح آمریکایی در راس این طبقه نقش بازی می‌کردند و از امتیازات بالایی برخوردار می‌شدند. در نتیجه اختلاف طبقاتی اساسا بین این دو رده از کارگران خود را نشان می‌داد. کارگران بومی و کارگران اروپایی. این اختلاف عملا به اتحاد بین جنبش کارگری با جنبش ناسیونالیستی مصری کمک می‌کرد. هر چند که جنبش کارگری در سال‌های ۱۸۸۲ تا ۱۹۰۸ اعتصابات مهمی از قبیل توقف حمل ذغال سنگ از پورت سعید، کارخانجات سیگار در قاهره و اعتصاب سراسری رانندگان و کارکنان راه‌آهن را سازماندهی و رهبری کرده بود. اما اساسا تحت تاثیر و رهبری جنبش ملی قرار داشت و خود را در احزاب ناسیونالیستی مصر جای می‌داد.

بعد از جنگ جهانی اول در اروپا و گسیل این ایده به مصر که در آن زمان اساسا با جنبش «مصر جوان» در داخل مشغول بود، جنبش‌های سوسیالیستی در مبارزه با فاشیسم و در دفاع از صلح، جان تازه‌ای به خود گرفتند و خود را در اتحاد انصار ال - سلام که یک تجمع دمکراتیک ضدفاشیسم بود، متشکل نمودند. این تشکل به فعالیت خود تا شروع جنگ جهان دوم ادامه داده و بعد منحل شد و از آن چندین سازمان کوچکتر با همین مضامین به وجود آمدند و به فعالیت خود در سطح کوچک‌تری ادامه دادند.

در این جنبش که با خصلت ضد فاشیستی و صلح‌طلب مشخص می‌شد، جوانان روشن‌فکر اروپایی، اقلیت‌های محلی و سوسیالیست‌ها فعال بودند. مارکسیسم توانست در همین دوران از انزوا به درآید و بازسازی یک سازمان کمونیستی را مجددا تجربه کند. مصری‌های یهود و همچنین مسلمانان و مسیحی‌های ضدفاشیست نیز از حامیان این جنبش به شمار می‌آمدند. حتی جوانان صهیونیست و مارکسیست، باوجود اختلافات بنیادی، توانستند در این جنبش پایپای یک‌دیگر فعال شوند.

در سال ۱۹۳۹ کمونیست‌های معروفی چون مارسل اسرائیل، هیلل شوارتز، ریموند آینون و امثالهم که ایسکرا در مصر را منتشر می‌کردند، جنبش رهایی ملی مصر را پایه‌گذای کردند. این جنبش برخلاف سایر جنبش‌های موجود که اساسا از روشن‌فکران تشکیل می‌شدند، شمار بسیاری از کارگران مصری را در خود جای داد و آن را به معنی واقعی مصری کرد. جنبش رهایی ملی مصر با وجودی که توسط یهودیان و خارجیانی که مصری شده بودند، رهبری می‌شد، برای حقوق کارگران مبارزه می‌کرد، در سندیکاها به شدت فعال بود و برنامه‌ای ضدامپریالیستی داشت.

حکومت مصر از آنجا که از طرفی دیگر نمی‌توانست مشکلات اجتماعی رشدیابنده در مصر را کنترل کند و خواسته‌های کارگران و زحمتکشان مصری را پاسخ گوید و از طرف دیگر حضور ارتش انگلیس برایش غیرقابل تحمل شده بود، تصمیم به اخراج سرکردگان این جنبش از مصر و نابودی آن گرفت. چپ‌ها نیز بعد از گسیخته‌شدن این جنبش، امید خود را به گروه‌های کمونیستی دیگر و یا افسران جوان همچون عبدالناصر و انورسادات که از جنبش مصر جوان شمرده می‌شدند، بستند و به پیشرفت و توسعه دمکراتیک رژیم چشم امید دوختند.

اما اختلاف بنیادی مابین رژیم و چپ‌ها به سرعت خود را نشان داد و سرانجام این دو جبهه به طور آشتی‌ناپذیر در مقابل هم قرار گرفتند. در حالی که کارگران در اوت ۱۹۵۲ دست به اعتصاب گسترده زده بودند و به رسیدگی خواست‌هایشان خوش‌بین بودند، در خیابان‌ها با سرکوب و سرنیزه رژیم مواجه شدند و در اوج ناباوری شاهد اعدام رهبرانشان گردیدند.

بدین ترتیب سرکوب و ازهم پاشیدن جنبش کارگری مصر توسط رژیم ناصر آغاز گردید و به یک سیاست و موج ضدکمونیستی انجامید. در این میان تمامی احزاب سیاسی و مخالف ممنوع و فعالانشان دستگیر گردیدند و می‌توان گفت که کمونیسم مصری هنوز نتوانسته است بعد از آن سرکوب

ادامه در صفحه ۸